

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

قاطع حکمی یا موضوعی بودن قاطع سوم

اقامت سی روزه و به صورت مردد در یک محل به عنوان قاطع سوم ذکر شده است، لذا بعد از سی روز ولو شخص برای یک نماز چهار رکعتی در آن مکان ساکن باشد، باید نماز را تمام بخواند. سه دلیل برای این قاطع ذکر شد.

کلام مرحوم صاحب جواهر(ره)

مرحوم صاحب جواهر (ره) پس از بیان روایات اشاره‌ای به کلام مرحوم بغدادی (ره) دارد. ایشان می‌فرماید: ظاهر یا صریح کلام مرحوم بغدادی (ره) این است که بقاء سی روز قاطع نیست بلکه این مسئله عنوان تخصیص را دارد؛ یعنی هر چند این شخص هشت فرسخ رفته و مسافر است و باید نماز را قصر بخواند، اما در این شرائط باید تمام بخواند.

مانند این‌که اگر شخص دو روز به مکه یا مدینه می‌رود مشهور می‌گویند: شخص مخیر بین قصر و اتمام است ولو این‌که وی مسافر می‌باشد. پس اگر این شخص از آن مکان خارج شد همچنان مسافر می‌باشد چون قبلاً قصد مسافت را داشته است و باید نماز را قصر بخواند.

بله مادامی که بعد از سی روز در آن مکان می‌ماند باید نماز را تمام بخواند. علت این است که اولاً گذشت سی روز به صورت مردد در کلمات فقهاء به عنوان قاطع ذکر نشده است و ثانیاً تنها عنوان وطن و اقامه ده روز را ذکر نموده‌اند.^[1]

کلام مرحوم محقق خوئی(ره)

مرحوم خوئی (ره) می‌فرماید: حکم و فتوی یعنی تمام خواندن نماز پس از بقاء سی روز به صورت متردد مورد خلاف نیست. محل خلاف میان مشهور و محقق بغدادی (ره) این است که مشهور می‌گویند: بقاء سی روز مانند قصد اقامه ده روز قاطع سفر است اما محقق بغدادی (ره) می‌فرماید: بقاء سی روز قاطع سفر نیست.^[2]

به عبارت دیگر مشهور می‌گویند اگر کسی به حد مسافت رسید اما مردد است که اقامه ده روز داشته باشد یا خیر، صرف ماندن سی روز به صورت متردد سفر را از حیث موضوعی قطع می‌کند؛ یعنی این شخص عنوان مسافر را ندارد و لذا از روز سی و یکم به بعد مادامی که در آن مکان به صورت مردد باقی می‌ماند باید نماز را تمام بخواند.

اما اگر قصد خروج از شهر را داشته و قصد مسافت شرعی نمود حکم مسافر را پیدا می‌کند. اما اگر قصد مسافت شرعی

نداشته باشد حکم مسافر را ندارد.

محقق بغدادی (ره) می‌فرماید: بقاء سی روز به صورت مردد موجب خروج این شخص از عنوان سفر به صورت موضوعی نیست بلکه این شخص مسافر است چرا که نصوص وارد شده در این بحث دال بر خروج موضوعی و قاطع نیستند بلکه این روایات یک تخصیص محض است؛ یعنی هر چند این شخص مسافت شرعی را طی نموده و عنوان مسافر را داشته و قصد اقامه ده روز را ندارد اما در عین حال بعد از سی روز باید نماز را تمام بخواند و این روایات مخصص برای ادله قصر می‌باشند.

به بیان دیگر ادله قصر می‌گوید: این شخص هشت فرسخ رفته است و اگر قصد اقامه نداشته باید نماز را به صورت قصر بخواند. در مقابل روایات محل بحث می‌فرماید: مگر این که مسافر در یک محل سی روز به صورت مردد باقی ماند که باید طی این مدت نماز را شکسته بخواند. اما بعد از سی روز باید نماز را تمام بخواند.

پس اگر اقامه سی روز مانند نیت اقامه ده روز عنوان قاطع داشته باشد؛ یعنی همان گونه که اگر شخص قصد اقامت ده روز در محلی را دارد نمازش تمام می‌شود و اگر قصد داشت از محل اقامه خارج شده و نماز را قصر بخواند مجدداً باید هشت فرسخ قصد نماید اما اگر هشت فرسخ را قصد نکرده باشد مشمول همان ادله سابق می‌شود، مسئله محل بحث نیز چنین است.

اما اگر عنوان قاطع نداشته باشد و بگوئیم مخصص است، این شخص بعد از اقامه سی روز به صورت مردد باید نماز را تمام بخواند. اما به محض این که خواست از آن محل خارج شود نیاز به قصد مسافت نداشته و مشمول ادله قصر می‌شود ولو قصد مسافت هشت فرسخ را نکرده باشد.

مرحوم خوئی (ره) در پاسخ به مرحوم بغدادی (ره) می‌فرماید: لزوم یا عدم لزوم قصد مسافت جدید بعد از خروج از محل مذکور مبتنی بر این نیست که قاطع موضوعی محقق شده باشد یا خیر که اگر موضوعاً قطع شده باشد بعد از خروج برای خواندن نماز قصر باید قصد مسافت جدید داشته باشد و اگر قطع موضوعی نشده باشد دنبال همان سفر قبلی را ادامه می‌دهد و برای خواندن نماز نیاز به قصد مسافت جدید ندارد.

بلکه در این مورد قطع حکمی نیز کافی است اما قاعده و کبرایی کلی از روایات مستفیضه استفاده می‌شود که اگر هر کسی وظیفه‌اش به جهتی مانند وطن، نیت اقامه ده روز یا اقامه سی روز به صورت مردد، خواندن نماز به صورت تمام است و اگر بخواهد مجدد نماز را قصر بخواند، باید مجدداً نیت مسافت شرعی داشته باشد.

مرحوم خوئی (ره) برای اولین مرتبه این قاعده را ذیل این عبارت مرحوم سید (ره) در عروه بیان نموده‌اند. مرحوم سید (ره) می‌فرماید: «الثالث: استمرار قصد المسافة، فلو عدل عنه قبل بلوغ الأربعة أو تردد أتم، وكذا إذا كان بعد بلوغ الأربعة لكن كان عازماً على عدم العود، أو كان متردداً في أصل العود و عدمه...»^[3] یعنی اگر شخصی بخواد نماز را شکسته بخواند علاوه بر قصد هشت فرسخ باید استمرار بر قصد نیز داشته باشد.

مرحوم خوئی (ره) در بیان قاعده مذکور می‌فرماید: «الروایات الكثيرة المستفیضة و قد تقدّمت الدالة على أنّ المكلف بالتّمام لا تنقلب وظیفته إلى القصر إلا بعد قصد ثمانية فراسخ، وأنّه لا یقصر فی أقل من ذلك... فانّ قوله: فی کم التّقصیر. ظاهر فی أنّ السّؤال عمّن هو مکلف فعلاً بالتّمام وأنّه متى یخاطب بالقصر و تنقلب وظیفته إلیه... و هذه کبری کلیة نستدلّ بها فی کثیر من المسائل الآتیة، و هي أنّ كلّ من خوطب بالتّمام لجهة من الجهات التي منها التردد أو العزم على الرجوع كما فی المقام فلا تنقلب وظیفته إلى القصر إلا إذا قصد من مكانه السیر ثمانية فراسخ و لو ملفقة، و إلا فهو باقٍ على التّمام.»^[4]

یعنی شخصی که به هر دلیل مکلف به خواندن نماز تمام است تنها در صورتی می‌تواند نماز را قصر بخواند که قصد هشت فرسخ داشته باشد. روایات زیادی در مورد حد مسافت وجود داشت که در آن‌ها امام (علیه‌السلام) می‌فرمایند: در هشت فرسخ یا «بریدین» باید نماز را قصر خواند و کمتر از این فایده ندارد. مرحوم خوئی (ره) با اشاره به این روایات می‌فرماید: مورد سوال در این روایت کسی که بالفعل باید نماز را تمام بخواند.

به نظر ما چنین قاعده‌ای قابل استفاده از روایات نیست یعنی روایات نمی‌گویند هر کسی که وظیفه‌اش تمام است اگر قرار باشد بعداً نماز را قصر بخواند با توجه به روایاتی که در آن تعبیر «کم التقصیر» وجود داشت باید بگوئیم مجدداً نیت و طی مسافت شرعی لازم است. ظهور این روایات در خروج از منزل است کما این‌که در برخی از این روایات مسئله خروج از منزل مطرح شده‌است نه خروج از محل اقامه یا تردد.

به بیان دیگر از روایات مذکور نمی‌توان به صورت کلی استفاده نمود که اگر وظیفه کسی خواندن نماز تمام بود و قصد داشت از آن مکان خارج شود، در صورتی که قصد هشت فرسخ را داشت نماز او قصر است اما اگر چنین قصدی نداشت نماز او تمام است.

در حالی که مرحوم خوئی (ره) در مقابل مرحوم بغدادی (ره) می‌فرماید: چنین کبرایی وجود دارد و مطابق آن این اشکال به محقق بغدادی (ره) وجود دارد که چرا می‌فرمائید اگر این شخص خواست از محلی که در آن سی روز اقامت مردد داشت خارج شود باید نماز را قصر بخواند و نیاز به قصد مسافت جدید ندارد؟

البته در برخی روایات تعبیر «خروج» وارد شده‌است که مرحوم خوئی (ره) در مورد آن‌ها می‌فرماید: مراد «خروج السفری» است. در حالی که دلیلی برای این قید وجود ندارد چرا که امام (علیه‌السلام) تنها می‌فرمایند: تا زمانی که در آن مکان هستی نماز را تمام بخوان اما «متی خرجت فقصر» اعم از این‌که قصد مسافت جدید داشته باشد یا نداشته باشد.

کلام مرحوم حکیم (ره)

از کلمات مرحوم حکیم (ره) چنین استفاده می‌شود که اصل حکم محل اشکال بوده و این مطلب قول مشهور است و در مقابل قول مرحوم مقدس یا محقق بغدادی (ره)^[5] بر حسب آنچه مرحوم صاحب جواهر (ره) ذکر نموده‌اند وجود دارد.

مرحوم حکیم (ره) در ادامه و در اشکال به محقق بغدادی (ره) می‌فرماید: هر چند لفظ قاطع در مورد اقامت سی روز به صورت مردد ذکر نشده است اما از روایات عنوان قاطع بودن به ذهن انسباق دارد؛ یعنی این‌که شارع فرموده‌است بعد از گذشت سی روز باید در روز سی و یکم نماز را تمام بخوانی نشان می‌دهد اقامت سی روز به صورت مردد از لحاظ موضوعی قاذح عنوان نماز است.

لذا لازم نیست لفظ قاطع در روایت ذکر شده باشد و این روایات در اصل نسبت به ادله قصر عنوان حاکم را دارد؛ یعنی ادله قصر در فرضی است که این شخص عنوان مسافر را داشته باشد و زمانی که شخصی سی روز به صورت مردد در محلی ماند از عنوان مسافر خارج شده و باید بعد از آن نماز را تمام بخواند.

در مباحث گذشته گفتیم بقاء سی روز به صورت مردد در اصول متلقاة ذکر شده‌است پس نباید در اصل اختلافی وجود داشته باشد و در نتیجه حق با مرحوم خوئی (ره) است که اختلاف در قاطع بودن اقامه سی روز به صورت مردد است.

ضمن این که اشکال ایشان به محقق بغدادی (ره) نیز وارد نمی‌باشد چرا که اقامه سی روز در هشت فرسخی به صورت مردد از لحاظ عرفی، شرعی و وجدانی سبب نمی‌شود شخص از عنوان مسافر خارج شود.

در نتیجه مسئله انسباق به کنار می‌رود چون انسباق در جایی است که اقامت سی روز از لحاظ عرفی، شرعی و وجدانی این شخص را از عنوان مسافر خارج نموده و در روز سی و یکم به این شخص مسافر گفته نشود؛ در حالی که وجداناً، واقعاً و عرفاً امر چنین نیست.

جمع‌بندی بحث

تا اینجا به این نتیجه می‌رسیم کلام مرحوم خوئی (ره) که فرمود: اصلاً بحث قطع موضوعی مطرح نیست و باید یک قاعده کلی را مطرح نمائیم که اگر شخصی نماز تمام بر او واجب است و بعداً بخواهد از آن مکان خارج شود در صورتی که قصد مسافت جدید داشت نماز وی قصر است و إلا نمازش تمام است، به نظر ما قابل قبول نیست.

کلام مرحوم حکیم (ره) نیز که فرمود: این روایات انصراف به قطع موضوعی دارد یعنی این شخص مسافر نیست پس اگر خواست از آن مکان خارج شود باید مجدداً برای خواندن نماز به صورت قصر باید قصد داشته باشد و الا باید نماز را تمام بخواند، صحیح نیست.

در نتیجه باید بگوئیم تا زمانی که شخص به صورت متردد و بعد از سی روز در این مکان باقی می‌ماند باید نماز را تمام بخواند. اما به محض این که از آن مکان خارج شد موضوع برای تمام از بین می‌رود و لذا باید سراغ ادله قصر رفته و از آنجا که این شخص از ابتدا قصد مسافت شرعی داشته است و این مقدار - بقاء سی روز به صورت مردد - استثناء شده است پس مجدد به آن قصد سابق و حکم عام باز می‌گردد نه این که استصحاب حکم مخصص شود.

به بیان دیگر در دوران میان استصحاب حکم خاص و رجوع به عام باید حکم عام یعنی ادله قصر أخذ شود ولو این شخص قصد مسافت جدید نکرده باشد س باید نماز را بعد از خروج از این مکان باید قصر بخواند.

تفاوت کلام مرحوم سید (ره) و مرحوم امام خمینی (ره)

مرحوم سید (ره) پس از بیان قاطع مذکور می‌فرماید: «إذا كان بعد بلوغ المسافة»^[6] یعنی اگر شخص به حد مسافت و هشت فرسخ رسید اما نمی‌داند چه زمانی قرار است خارج شود جزء قواطع بوده و بعد از گذشت سی روز نماز وی تمام است.

در ادامه می‌فرماید: «و أما إذا كان قبل بلوغها فحكمه التمام حين التردد لرجوعه إلى التردد في المسافة.» یعنی اگر قبل از رسیدن به مسافت باشد؛ مثلاً در سفر تلفیقی هنوز به چهار فرسخی و در سفر امتدادی هنوز به هشت فرسخی نرسیده و مردد باشد، در حین حالت تردد باید نماز را تمام بخواند و گذشتن سی روز مطرح نیست. برای این که حال شخص مذکور مانند این است که در ادامه سفر تردید دارد و حال آن که یکی از شرائط قصر، استمرار قصد مسافت می‌باشد.

جای تعجب است که چرا مرحوم امام (ره) این تعبیر را ذکر ننموده‌اند. ایشان می‌فرماید: «الثالث من القواطع البقاء ثلاثين يوماً في مكان متردداً»^[7] و قید قبل یا بعد بلوغ مسافت در کلام ایشان وجود ندارد در حالی که بر این قید فروعی مترتب می‌شود که در ادامه ذکر خواهد شد.

البته شاید ایشان به جهت وضوح آن را ذکر ننموده‌اند؛ یعنی مفروض، تردد ثلاثین یوما بعد از وصول به حد مسافت است و إلا قبل از وصول به مسافت از محل بحث خارج می‌باشد.

طبق عبارت مرحوم سید (ره) یک بحث این است که آیا دلیل مرحوم سید (ره) صحیح است یا خیر یعنی آیا می‌توان گفت شخصی از ابتدا قصد مسافت دارد و در عین حال قبل از بلوغ به مسافت مردد می‌شود؟! ظاهر این است که استدلال ایشان تام نیست. مرحوم خوئی (ره) برای مسئله چهار صورت تصویر نموده و می‌فرماید: عبارت مرحوم سید (ره) شامل سه صورت می‌شود که از میان این سه صورت اظهر صورت اول است.

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1]. «فظاهر المحقق البغدادي أو صريحه أنه ليس من القواطع للسفر، بل هو من الأحكام اللاحقة للمسافر كالإتمام في مواضع التخيير، فلا ينقطع قصد المسافة حينئذ به، ولا يحتاج في تجدد الترخص إلى مسافة جديدة إلى غير ذلك محتجا بعدم ذكر الأصحاب له من القواطع للسفر، بل اقتصرنا على الأمرين المزبورين، وكان نظره إلى نحو المقام وقد عرفت العذر فيه، مع أنه نص عليه هنا في الدروس و اللمعة و الروضة، بل صرح في الأخير كغيره باحتياج القصر بعده إلى مسافة جديدة، و لتمام البحث معه محل آخر.» جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج، ص: 243.

[2]. «إنما الكلام في أن مضي الثلاثين هل هو قاطع للسفر كما في قصد الإقامة بحيث يحتاج العود إلى القصر إلى قصد مسافة جديدة، أو أنه مجرد تخصيص محض يقتصر على مورده و هو مكان التردد، فلو خرج عن ذلك المكان رجع إلى القصر و لو لم يكن الباقي مسافة، كما لو خرج من النجف قاصداً وطنه بغداد فلما وصل المحمودية بقي ثلاثين يوماً متردداً ثم خرج نحو وطنه الذي هو دون المسافة، فهل يتم في الطريق لعدم قصده مسافة مستأنفة، أو أنه يرجع إلى القصر؟..» موسوعة الإمام الخوئي، ج، ص: 338 و 339.

[3]. العروة الوثقى (للسيد اليزدي)، ج، ص: 119.

[4]. موسوعة الإمام الخوئي، ج، ص: 81 و 82.

[5]. سید محسن اعرجی (۱۱۳۰ - ۱۲۲۷ ق)، فرزند حسن، از خاندان اعرج، متولد بغداد و از عالمان شیعه است. او استادانی مانند سید محمدباقر بهبهانی و سید مهدی بحر العلوم طباطبائی داشت و جعفر کاشف الغطاء، یکی از استادانش، ارادت ویژه‌ای به او داشته است. او شاگردانی مانند سید محمدباقر شفتی، محمدابراهیم کلباسی و سید عبدالله شبر کاظمی تربیت کرد. وسائل الشیعه الی احکام الشریعه، از مهم‌ترین آثار اوست. او را در مقامات معنوی و ویژگی‌های اخلاقی ستوده‌اند.

[6]. العروة الوثقى (للسيد اليزدي)، ج، ص: 157.

[7]. تحرير الوسيلة، ج، ص: 261.